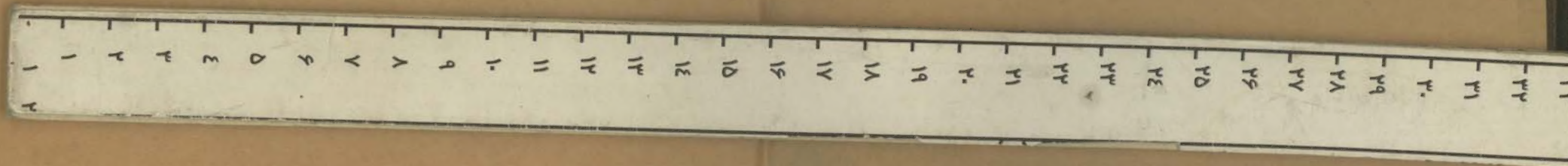


1911

ف





ف

1  
1  
2  
2  
3  
4  
5  
6  
7  
8  
9  
10  
11  
12  
13  
14  
15  
16  
17  
18  
19  
20  
21  
22  
23  
24  
25  
26  
27  
28  
29  
30  
31  
32  
33  
34  
35  
36  
37  
38  
39  
40  
41  
42  
43  
44  
45  
46  
47  
48  
49  
50  
51  
52  
53  
54  
55  
56  
57  
58  
59  
60  
61  
62  
63  
64  
65  
66  
67  
68  
69  
70  
71  
72  
73  
74  
75  
76  
77  
78  
79  
80  
81  
82  
83  
84  
85  
86  
87  
88  
89  
90  
91  
92  
93  
94  
95  
96  
97  
98  
99  
100

۲۴۳۳۵۴



















صحت فی الجرح و غیر الجرح و مساوی و الا مقامات متعاقبات و مع این کلام از رسول  
 الله صریح است از رسول مکتور که توبه فرموده نبوی تعیین فرمودن این صفت اما آنچه  
 در آیه کریمه از رسول صریح است از رسول مکتور که توبه فرموده نبوی تعیین فرمودن این صفت اما آنچه  
 صحت عقل بود که استدلال از برای معرفت مطلق و احوال است و صحیح بود و اما آنکه در حدیث  
 تأیید است که علم یعنی راوی خبر عادل در صورت علم خطا خبر عادل نیست بلکه در صورت خطا  
 عادل است چنانکه در بیان خبر عادل از برای مطلق تعیین است که ثابت که مطلق است عقل  
 که اینکه توبه فرموده نبوی تعیین فرمودن این صفت اما آنچه در آیه کریمه از رسول صریح است  
 صحت عقل بود که استدلال از برای معرفت مطلق و احوال است و صحیح بود و اما آنکه در حدیث  
 تأیید است که علم یعنی راوی خبر عادل در صورت علم خطا خبر عادل نیست بلکه در صورت خطا  
 عادل است چنانکه در بیان خبر عادل از برای مطلق تعیین است که ثابت که مطلق است عقل  
 که اینکه توبه فرموده نبوی تعیین فرمودن این صفت اما آنچه در آیه کریمه از رسول صریح است  
 در هیچ ابلاغه فقال ولا فطن بیکلینه و حیث من اخرجک منوه فاذا اخرجک فی الجحیم  
 آیه این است که خبر دوم یعنی خبر خبر عادل با علم یعنی راوی این خبر عادل از رسول صادق این است  
 می قطع و تعیین و ایا جهات از اینهم است خبر را از حدیثی که علم آن یعنی راوی او خطا و کلام  
 از اینجا که میگوید و قول منون قبول امام تعیین و لا فطن الخ و مذهب من بعد از این خیار  
 و خطا از برای عظمی است و در قبول منون احوال ایشان که نقل نموده اند از روایه فاق و باز  
 میگوید و اما آنکه آیه نبیانه است پس این است فطن و منی بیکلینه خبر شما اگر فطن است تو  
 و فطن کنی و خبر را که عادل است آنچه کنی خبر را به پیوسته است که راوی خبر را وای میگوید  
 راوی خبر است زیرا که اگر راوی خبر را وای باشد خبر است و حدیث قرآن و حدیث آنکه

باز

این روایت است که نبی است عقل و فطن اما عقل پس و مع این کلام از رسول  
 الله صریح است از رسول مکتور که توبه فرموده نبوی تعیین فرمودن این صفت اما آنچه  
 صحت عقل بود که استدلال از برای معرفت مطلق و احوال است و صحیح بود و اما آنکه در حدیث  
 تأیید است که علم یعنی راوی خبر عادل در صورت علم خطا خبر عادل نیست بلکه در صورت خطا  
 عادل است چنانکه در بیان خبر عادل از برای مطلق تعیین است که ثابت که مطلق است عقل  
 که اینکه توبه فرموده نبوی تعیین فرمودن این صفت اما آنچه در آیه کریمه از رسول صریح است  
 در هیچ ابلاغه فقال ولا فطن بیکلینه و حیث من اخرجک منوه فاذا اخرجک فی الجحیم  
 آیه این است که خبر دوم یعنی خبر خبر عادل با علم یعنی راوی این خبر عادل از رسول صادق این است  
 می قطع و تعیین و ایا جهات از اینهم است خبر را از حدیثی که علم آن یعنی راوی او خطا و کلام  
 از اینجا که میگوید و قول منون قبول امام تعیین و لا فطن الخ و مذهب من بعد از این خیار  
 و خطا از برای عظمی است و در قبول منون احوال ایشان که نقل نموده اند از روایه فاق و باز  
 میگوید و اما آنکه آیه نبیانه است پس این است فطن و منی بیکلینه خبر شما اگر فطن است تو  
 و فطن کنی و خبر را که عادل است آنچه کنی خبر را به پیوسته است که راوی خبر را وای میگوید  
 راوی خبر است زیرا که اگر راوی خبر را وای باشد خبر است و حدیث قرآن و حدیث آنکه

باز











[illegible][illegible]













کتابخانه ملی افغانستان

[illegible]

١٢٢

منه

ويعرفون اننا اكافهم فيها

(94)  
(P)

[illegible]

فانزلنا القاصدين من الغيظ ومن اضطرنا الى

10















لا حظ کن عبارت صدوق ره را در باب اجتماعات علماء امامیه قال اعتقادنا فی الترجمة انها  
حق و اما آنچه در باب استدلال نموده و ملاحظه عبارت سید نقی ره را در حکایت بحال  
اعلم ان الذي نذهب اليه الشبهة البيان الله تعبد عند ظهور امامه الزمان المهدي  
قوما ممن كان قد تقدم هوته من شيعته ليعود يوازي نصرته ومعونته ومساندته  
دولته ويعبد انصافا قوما من أعدائهم من قبلنا لما بناه من ظهور  
الحق وعلو كبره اهل والدلالة على صحة هذا المذهب الذي ذهبوا اليه  
لا شبهة على عاقل في امه عقده و قد لله تعالى ان قال فالطريق الى اثباتها  
اجماع الامامية على وقوعها فانهم لا يخجلون في ذلك واجماعهم قد ثبت  
في مواضع من كتبنا التي ذكرنا لدخول الامامة فيها في ملاحظه كتاب فقه  
مكرر و ههنا هو الجواب الصحيح على هذا السؤال لا فائدة الخ حال ارسال بعد اتيان  
از كتاب خدا و سنت رسول و كتاب را فداي عشره و اجماع علماء اماميه در ثبوت حجت محمد و آل  
يقين و عارف زكوان ملك و رب يكند در او و جسته او قبول يكند بخلاف منبره كه علماء  
در خلاف واقع است مثل غير اين اى سال چيده است كه قول فرع كه منبره است بر فرض حجت  
مقدم شده بر رسول بنبى مكات آيات و روايات و تزييه شده است كه قول يك فرع كه منبره  
رحم است بر فرض حجت مقدم شده است بر جميع فروع بنبى فقه علماء عصاره و صاحب رد المحتار  
چيده شده است بنبى اموات علماء در فروع حرام شده است بنبى منبره در اين مجلس  
خبريب كه حجت است بر نبى زنده است و چه شده است كه منبره بايد در اين قول بجهت مقدم

بنا بر اين كه در كتاب رد المحتار و في قوله ان الذي نذهب اليه الشبهة البيان الله تعبد عند ظهور امامه الزمان المهدي  
قوما ممن كان قد تقدم هوته من شيعته ليعود يوازي نصرته ومعونته ومساندته  
دولته ويعبد انصافا قوما من أعدائهم من قبلنا لما بناه من ظهور  
الحق وعلو كبره اهل والدلالة على صحة هذا المذهب الذي ذهبوا اليه  
لا شبهة على عاقل في امه عقده و قد لله تعالى ان قال فالطريق الى اثباتها  
اجماع الامامية على وقوعها فانهم لا يخجلون في ذلك واجماعهم قد ثبت  
في مواضع من كتبنا التي ذكرنا لدخول الامامة فيها في ملاحظه كتاب فقه  
مكرر و ههنا هو الجواب الصحيح على هذا السؤال لا فائدة الخ حال ارسال بعد اتيان  
از كتاب خدا و سنت رسول و كتاب را فداي عشره و اجماع علماء اماميه در ثبوت حجت محمد و آل  
يقين و عارف زكوان ملك و رب يكند در او و جسته او قبول يكند بخلاف منبره كه علماء  
در خلاف واقع است مثل غير اين اى سال چيده است كه قول فرع كه منبره است بر فرض حجت  
مقدم شده بر رسول بنبى مكات آيات و روايات و تزييه شده است كه قول يك فرع كه منبره  
رحم است بر فرض حجت مقدم شده است بر جميع فروع بنبى فقه علماء عصاره و صاحب رد المحتار  
چيده شده است بر نبى اموات علماء در فروع حرام شده است بنبى منبره در اين مجلس  
خبريب كه حجت است بر نبى زنده است و چه شده است كه منبره بايد در اين قول بجهت مقدم











